بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه102..25/11/1399

مساله پنجم : این است که انقلاب غیر از استحاله است زیرا استحاله تبدیل حقیقت نوعیه هست مثل اینکه چوب خاکستر یا دود شود اما انقلاب تبدل حقیقت نوعیه نیست بلکه اسم و صورت ان عوض می شود و حقیقت و ذاتش عوض نمی شود ، سرکه حقیقت آن از خمر بوده است

یکی از شواهدی که می آورد بر این فرق فوق ، این است که استحاله متنجسات و هم اعیان نجسه را پاک می کند اما انقلاب فقط خمر را پاک می کند اگر تبدیل به خل شود لذا اگر اب انگور یا خرما متنجس باشد و تبدیل به خمر شود و تبدیل به خل شود همواره نجس هست

مساله ششم : فرع اول انقلاب : اگر آب انگور به سبب خمر نجس شود بعد منقلب به خمر شود بعد از انقلاب به خمر تبدیل به خل شود این سرکه پاک است به سه دلیل :

دلیل اول : از مرحوم سید در متن عروه است که نجاست عصیر عنبی دو تا شده ، یکی نجاست عرضی که همان قطرات خمری است که بر آب انگور ریخته شده و دیگر نجاست ذاتی که همان تبدیل آب انگور به شراب است و نجاست ذاتی ، نجاست عرضی را زیاد نکرد لذا نه تاکد و نه تضاعف است و نه اشتداد است چون درباب نجاسات تضاعف و اشتداد نداریم پس آن نجاست عرضی تبدیل به نجاست ذاتی شد و نجاست ذاتی تبدیل به سرکه شد و پاک شد

إن قلت : چه فرقی است بین نجس شدن آب انگور به خمر و به این و سایر نجاسات چون آنجایی که به سایر نجاسات نجس شود بعد از تبدیل به سرکه حکم به عدم طهارتش شد ولی آنجایی که نجس به خمر شود بعد از تبدیل به سرکه حکم به طهارتش شد چه فرقی است ؟ و اگر انقلاب مطهر است نباید فرقی بین سایر نجاسات باشد

قلت : فرق بین این دو از جهت شمول یا عدم شمول ادله است اگر به غیر خمر نجس شود استصحاب نجاست جاری است زیرا نصوص اختصاص به خمر دارد که اگر خمر تبدیل به سرکه شود پاک می شود و شامل عصیر عنبی متنجس نمی شود و اگر شک کنی این عصیر عنبی بعداز انقلاب به سرکه پاک شده یا نه استصحاب عدم جاری است چون نصوص متقدمه شامل ان می شود

ان قلت : مقام بحث نصوص قاصر است چون دو تا نجاست است یکی عرضیه است که قائم به جسم است یعنی جسم انگور یا جسم خرما آلوده به خمر شده است ، و دوم نجاست ذاتیه است که قائم به نوع است یعنی حقیقت نوعیه آب انگور خمر شده و ربطی به جسم انگور و خرما ندارد و یک واقعیت و حقیقتی است که تبدیل آب انگور به خمر می شود و سایر حبوبات این حقیقت را ندارد پس خمر قائم به حقیقت نوعیه هست لذا همانطوری که بول درآب انگور ریخته شود و آب انگور سرکه شود مشمول نصوص نمی شود

قلت : نجاست خمر که قائم به نوع است حقیقتا از جسم برخاسته چون جسم خمر نجس است مثل اجسام بقیه نجاسات از این جهت حقیقت خمر را نجس می داند لذا اجتماع مثلین لازم می آید یعنی دو تا نجاست مثل هم در یک جسم جمع شده یکی نجاست عرضیه و دیگر ذاتیه خمر

مرحوم شیخ انصاری در کتاب طهارت همین اشکال اجتماع مثلین که در پاسخ سید حکیم آمده را مطرح کرد و ایشان درآنجا انقلاب سرکه آلوده به خمر را حکم به طهارت نمی کند به دلیل اجتماع مثلین یعنی دو تا نجاست مثل هم بر روی اب انگور جمع شده است. ، مرحوم سید در متن عروه آن عبارت و متن را در رد بر شیخ آورده است که به شیخ می گوید اجتماع مثلین نشد بلکه آن نجاست عرضیه خمر بود و تبدیل به نجاست ذاتیه شد و آن نجاست ذاتیه تبدیل به سرکه شد ، حال حق با سید است چون در وجود تکرر نیست اما اجتماع مثلین در جایی است که تکرر در وجود باشد مثلا دو تا حرمت بر یک موضوع می باشد اما عصیر عنبی بوسیله خمر نجس شده و نجاست بعدی با نجاست قبلی از باب تضاعف و تاکد و اشتداد نیست پس از باب تکرر در وجود هم نیست چون وجود نجاست عرضی با ذاتی همان خمر است لذا یک وجود است و اجتماع مثلین نیست

نعم ممکن است شیخ ادعا کند که منظور ما از اجتماع مثلین اختلاف رتبی است نه تعدد وجودی است مثلا بین علت و معلول اختلاف رتبی است نه وجودی که رتبه علت مقدم بر رتبه معلول است و این اختلاف وجودی و تعدد رتبی در ظرف عقل است و یک امر اعتباری است و انتزاعی است

نه حکم شرعی استهلاک را و یکی از جاهایی که وظیفه فقیه موضوع شناسی است اینجاست

متن سوم : لا بخلاف الاستحالة فانه اذا صار البول بخارا ثم ماء ما یحکم بنجاسته لانه صار حقیقة اخری ، که. استحاله برخلاف استهلاک است مثلا اگر بول تبدیل به بخار و بخار تبدیل به آب شود این آب نجس نیست چون حقیقتش فرق کرد قبلا بول بود الان اب است بله اگر قرینه بر بول صدق کند نجس هست

اشکال استاد بر مرحوم سید : تبدیل بول به بخار از نظر خیلی از فقها استحاله نیست و هم چنین تبدیل بخار به آب ، حقیقت آن عوض نشده است بلکه در مساله سوم شما همین مثال را برای انقلاب زدید نه استحاله و ما درآنجا گفتیم که جمیع مایعات نجس و متنجس اگر بخار شود و تبدیل به اب شود نجس است چون از نظر ما انقلاب صورت نگرفت و استحاله انجام نشد بله اگر عرق گوشت خوک یا غائط بر گردد و اسم سابق را داشته باشد نجس هست و الا نجاست عرق خمر از نظر سید نجس است بخاطر اینکه کل مسکر نجس اما به نظر ما در مباحث گذشته آمد که سکر عامل نجاست نیست و عامل حرمت است و ما خمر را نجس نمی دانیم اما حرام است ضمن اینکه سید تناقض گفت در مساله دوم گفتند که اذا صب الخمر ما یزیل سکره لم یطهر که اگر درون خمر موادی بریزند که سکر آن برود پاک نمی شود اما در اینجا می گوید کل مسکر نجس